



## متهم: قصد دفاع داشتم

■ جلال مهرگان

**قضات دادگاه کیفری یک استان تهران دفاعیات مردی را که در جریان تسویه حساب مالی مر تکب قتل شده بود، پذیرفتند و او را به پرداخت دیه و ۱۰سال زندان محکوم کردند.**
به گزارش جوان، جلسه رسیدگی به پرونده روز گذشته در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد. نماینده دادستان تهران بعد از رسمیت یافتن جلسه در جایگاه قرار گرفت و در دفاع از کیفرخواست گفت: «متهم پرونده محمد نادم داد که از یک سال قبل به اتهام قتل مردی به نام محمود در بازداشت ما سر می‌برد، روز حادثه ماجرای قتل را برادر محمود به پلیس گزارش داد. وقتی مأموران در محل حاضر شدند، مشخص شد محمود مقابل خانه‌شان با اصابت ضربات چاقو به سینماش جان باخته و متهم نیز از محل فرار کرده است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، محمد به اتهام قتل تحت تعقیب قرار گرفت تا اینکه بازداشت شد و به جرمش اعتراف کرد.»

نماینده دادستان، متهم را گناهکار شناخت و برای او در خواست صدور مجازات کرد. در ادامه اواییلی دم در جایگاه قرار گرفتند که خواسته‌شان قصاص است. سپس متهم به در خواست قاضی در جایگاه قرار گرفت و گفت که قتل عمد را قبول ندارد. او در شرح ماجرا عنوان کرد: «من و برادر مقتول که حسن نام دارد با هم دوست بودیم و رابطه کاری داشتم. مدتی قبل از حادثه با هم اختلاف حساب پیدا کردیم و او به من بدگزار شد. او برای پس دادن پول مدام امروز و فردا می‌کرد و آن را پس نمی‌داد. من هم به پول نیاز داشتم برای همین تصمیم گرفتم به خانه‌شان بروم تا شاید به این شکل نتوانم به پولم برس.»

متهم در شرح حادثه گفت: «آن روز وقتی زنگ خانه را زدم محمود در حالی که چاقوی سلاخی به دست داشت مقابل در آمد. پدرش قصاص بود و او چاقوی قصاصی به دست گرفته بود تا من را بترساند و قید پولم را بزم. من برای دعوا نرفته بودم و قصد درگیری هم نداشتم. این را به مقتول هم گفتم، اما او به قصد درگیری آمده بود برای همین به سستم حمله کرد و با چاقو چند ضربه به من زد که به شدت زخمی شدم. وقتی دشت ضربه‌های بعدی را وارد می‌کرد من هم دست به چاقویی که همراهم بود برد تا از خودم دفاع کنم برای همین به او ضربه‌ای زدم که زخمی شد. بعد به سختی سوار موتورم شدم و خودم را به مرکز درمانی رساندم. به علت شدت جراحاتی که به من وارد شده بود به طور معجزه آسایی زنده ماندم. بعد از آن بود که به صورت غیرقانونی از کشور خارج شدم و به ترکیه رفتم. مدتی آنجا بودم که خانوادهم خبر دادند محمود به علت شدت جراحی فوت شده است. یک ماه بعد از حادثه بود که به کشور برگشتم و خودم را تسلیم پلیس کردم.»

متهم ادامه داد: «من قصد قتل نداشتم و خانواده مقتول هم می‌دانند که برای گرفتن طلبم به انجا رفته بودم که این حادثه اتفاق افتاد.»

هیئت قضایی بعد از شنیدن آخرین دفاع متهم وارد شور شد و دفاع متهم را مشروع دانست و با تیره وی از قتل عمد، او را به پرداخت دیه و ۱۰ سال زندان محکوم کرد.



**مجرم سابقه‌دار که با پوشیدن لباس پلیس و درجه سرداری و بستن اسلحه کمرب در شهر تردد می‌کرد، دوباره بازداشت شد.**

به گزارش «جوان»، سرهنگ امیر هوشنگ امیری، سرکلانتر هفتم پلیس پیشگیری تهران بزرگ گفت: روز گذشته مردی به مأموران کلانتری ۱۱۳ بازار خیر داد به رفتار مردی که با درجه سرداری در حال گشت‌زنی در همان حوالی است، مظنون است. بعد از آن بود که مأموران پلیس راهی محل شدند و دیدند مردی میانسال در حالی که لباس فرم نظامی، با درجه سرداری به تن دارد و اسلحه کلت به کمر بسته در حال حرف زدن با یکی از شهروندان است. بعد از آن بود که مأموران از وی خواستند اوراق هویتی خود را نشان دهد که او گفت اوراق هویتی به همراه ندارد. بررسی‌های بعدی پلیس بعد از استعلام‌های انجام شده مشخص کرد وی در هیچ کدام از ارگان‌های نظامی فعال نیست و بدون داشتن کارت شناسایی، با پوشیدن لباس فرم و نصب آرم سرداری و حمل کلت جنگی در شهر تردد می‌کند که او را بازداشت کردند. بررسی‌های بعدی پلیس در این باره نشان داد متهم از مجرمان سابقه‌دار است که قبلاً به همین اتهام بازداشت شده و به زندان افتاده‌بود. تحقیقات پلیس برای کشف جرائم بیشتر متهم جریان دارد.

# مرد اسیدپاشی: می‌خواستم پروفیسور شوم معتاد شدم!

■ آر مین بینا

**مرد موتورسواری که به اتهام اسیدپاشی روی زنی جوان بازداشت شده مدعی است در توهم ناشی از شیشه دست**

**به اسیدپاشی زده‌است. متهم گفت از کودکی آرزو داشته پروفیسور شود، اما معتاد و زندگی‌اش تباه شده‌است.**
به گزارش «جوان»، شامگاه دوشنبه ۲۱شهریور رهگذرانی که در حال عبور از خیابانی حوالی منطقه طرشت بودند با شنیدن فریادهای «آی سوختم» زنی جوان مقابل یک باشگاه ورزشی خود را به اورساختند. همزمان با حضور رهگذران بود که مردی موتورسوار به سرعت از محل دور شد. پس از این اهالی به کمک زن جوان شستافتند که متوجه شدند وی از ناحیه صورت و بدن با مایع اسیدی به شدت سوخته‌است. بدین ترتیب ماجرا را به پلیس و اورژانس اطلاع دادند. لحظاتی بعد تیمی از مأموران پلیس در محل حادثه حاضر شدند. بررسی‌ها و گفته‌های شاهدان

نشان داد زن جوان از داخل باشگاه ورزشی بیرون آمده و داخل خیابان منتظر تاکسی بوده‌است که مرد موتور سواری به او نزدیک شده و مایع اسیدی روی صورتش پاشیده و فرار کرده‌است.

در حالی که‌زن مصدوم به بیمارستان منتقل شده‌بود، حادثه اسیدپاشی به قاضی ساسان غلامی، باز پرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران اطلاع داده شد و وی دقایقی بعد همراه تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی برای بررسی موضوع راهی بیمارستان شد.

**اظهارات قربانی اسیدپاش**

زنی جوان در توضیح ماجرا به مأموران پلیس گفت: مدتی بود تصمیم گرفته‌بودم ورزش کنم و به همین خاطر ساعتی قبل از حادثه بسرای ثبت‌نام به باشگاهی در منطقه طرشت رفتم. پس از ثبت‌نام از باشگاه بیرون آمدم و داخل خیابان منتظر تاکسی بودم تا به خانه‌مان برگردم در همین لحظه مرد موتورسواری به من نزدیک شد و ناگهان مایع داخل ظرفی

**خودت را معرفی کن.**

فرهاد هستم ۲۷ساله

**معتادی؟**

بله، گل و شیشه مصرف می‌کنم.

**روی دستت چه می‌نوشتی؟**

روی تابلو دیوار شعر ششگنی نوشته شده‌است و من خوشم آمد و شعر را نوشتم تا حفظش کنم. البته عاشق شعر و شاعری هستم و دوست داشتم که شاعر معرفی شوم، اما معتاد شدم. آن‌هم برای خودم شعر می‌گویم و وقتی هم شیشه یا گل مصرف می‌کنم باقرص می‌خورم طبع شعرم گل می‌کند و شعرهای خوبی می‌سرایم.

**چه شد که معتاد شدی؟**

۲۲مورد باعث شد که به من اعتیاد رویابورم که یکی فوت پدرم در سال ۹۹ بود، وقتی پدرم را دست دادم، افسرده شدم و قرص آرام‌بخش

## حوادث

سرویس حوادث، ۸۸۴۹۸۴۳۵



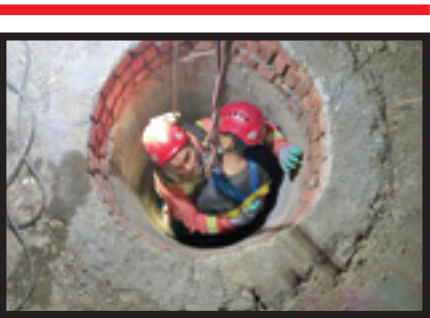
را روی من پاشید و به سرعت از محل گریخت. ثانیه‌هایی بعد بدنم داغ شد و ناگهان احساس کردم که بدنم آتش گرفته‌است و با فریادهای «آی سوختم» از مردم درخواست کمک کردم. پس از این، اهالی محل به کمک ما آمدند و به سسر و صورتیم آب پاشیدند و موضوع را به اورژانس خبر دادند و سپس برای نصب‌شده خیره می‌شود و با خودکاری را در دست دارد، کف دستش جملاتی را می‌نویسد. می‌گوید در توهم شیشه ذوقش گل می‌کند و شعر می‌گوید.

من مایع اسیدی پاشید.

**دستگیری مرد اسیدپاش**

دست و پایش با غل و زنجیر بسته است، اما آرام و قرار ندارد، لحظاتی روی صندلی مقابل باز پرس می‌نشیند و ثانیه‌های بعد این سرتق هشدار می‌دهد که مسئولان شهری و انتظامی و عریان کردن خلأهای ایمنی و امنیتی شهر است. رئیس پلیس تهران هم اعلام کرد از مخفیگاه متهمان هزاران پیچ سرقت شده از پل که در دهها گونی ریخته شده بود، کشف شد. سرقت تجهیزات از پل، تردد در شرق به غرب را به مدت بیش از یک ماه متوقف کرد و باعث شکل گیری ترافیک‌های سنگین در این محور شد.

وقوع این سرقت‌ها قارغ از اینکه خسارت‌های زیادی را متوجه اموال عمومی کرده، جان و مال شهروندان را هم در معرض خطری جدی قرار داده است. با وقوع این اتفاق‌ها، اعتماد عمومی به سازمان‌های مدیریتی به خسارتی متبلأ شده که جبران آن هرگز ممکن نیست. اینکه پرونده‌هایی علیه پیمانکاران طرف قرارداد سازمان‌های دولتی تشکیل می‌شود به این معناست که در سازوکار‌های به کار گرفته شده برای سپردن خدمات به این دسته از افراد اشکال جدی وجود دارد. این روزها مباحث بسیاری درباره پیامدهای ناشی از آرزوهایم ترسیم. مطرح می‌شود. امنیت عمومی به دلیل بروز جرائم خشن به خطر افتاده و گشت‌های ویژه پلیس برای برقراری هرچه بیشتر امنیت به گردش در آمده است. حالا که دستگناهان فضا عزم خود را برای برخورد قاطع با سارقان و متخان امنیت به کار گرفته بهتر است ناگاهی هم به چربی‌وفوع این پرونده‌ها داشته باشد که علاوه بر سرقت اموال عمومی، اعتماد عمومی را هم خدشه‌دار کرده است.



## نجات مهندس ساختمان از عمق چاه ۲۰ متری

**بی‌احتیاطی نسبت به قرار دادن محافظ چاه در ساختمان در حال ساخت، سقوط مهندس جوان به عمق ۲۰متری چاه را به همراه داشت.**

به گزارش جوان، ساعت ۱۷:۱۰ روز دوشنبه آتش‌نشانان ایستگاه ۳۳ از حادثه سقوط به چاه در ساختمانی در حال ساخت در خیابان توکلی، حوالی میدان شایرستون‌بزره و خابرو در محل حاضر شدند. محمد سلمانی، رئیس ایستگاه ۷۰ در شرح ماجرا گفت: در طبقه منفی ۳ ساختمان، چاهی به عمق ۲۰ متر حفر شده بود. شاهدان گفتند که مهندس ۲۴ ساله در حال بازدید از سناختمان بود که وی دلیل نبود حفاظ در اطراف چاه، وی به عمق چاه سقوط کرده است. وی ادامه داد: آتش‌نشانان همزمان با ایمن کردن محل، خود را به قعر چاه رساندند و مهندس جوان را که از ناحیه دست، پا و کمر دچار آسیب‌دیدگی شده بود از چاه خارج کردند و در اختیار امدادگران اورژانس قرار دادند.

## کشف محموله میلیاردی پودرهای بدنسازی قاچاق

**رئیس پلیس امنیت اقتصادی تهران بزرگ از کشف ۷۴۰کیلو پودر بدنسازی قاچاق به ارزش یک میلیارد تومان خبر داد.**

به گزارش «جوان»، سرهنگ هدایت بهرامی گفت: مأموران پلیس امنیت اقتصادی تهران بزرگ در راستای بازخورد با عاملان قاچاق کالا و توزیع کالا خارج از شبکه، از انتقال مقداری پودر بدنسازی توسط خودروهای سواری به یک انبار کالا در محدوده بزرگراه «امام رضا» با خبر شدند و بررسی موضوع را در دستور کار خود قرار دادند. وی افزود: تیمی از کارآگاهان پلیس برای بررسی موضوع در محل حاضر و متوجه شدند پودرهای بدنسازی دیو بوده قاچاقی و فاقد بازنامه و مجوزهای قانونی است که محموله را توقیف و یک متهم را در این باره بازداشت کردند.

مصرف می‌کردم که آرام شوم و کم‌کم هم به موادمخدر روی آوردم و شیشه و گل مصرف می‌کردم البته دوستان ناباب هم در اعتیاد هم بی‌تأثیر نبودند.

**سابقه‌دار؟**

نه تا الان حتی به کلانتری هم نرفته‌بودم.

**باز جوان چه اختلافی داشتی که رویش اسید**

پاشیدی؟ من اصلا او را نمی‌شناختم. وقتی که دستگیر و با او روبه‌رو شدم، اولین باری بود که او را می‌دیدم. من در توهم شیشه رویش اسید پاشیدم، البته من قصد داشتم روی خودم مایع اسیدی بپاشم و نمی‌دانم آن لحظه چه شد که مایع اسیدی را روی او پاشیدم.

**اسید را از کجا خریدی؟**

یادم نیست. هر زمانی که موادمخدر شیشه و گل مصرف می‌کنم،



قاتل برادرش را به آنها نشان دهد. پس از این راننده برلیانس همرا یکی از بستگانش راهی تهران می‌شود، اما خبر نداشت که این تماس دامی برای آنها بوده و عاملان قتل برادرش قصد داشتند او را هم به قتل برساند که به هدف خود می‌رسند. تیم جنایی در بررسی‌های میدانی دریافتند عاملان قتل دو برادر چندروز قبل مورد دیگری که قصد میانجیگری برای سازش داشته به قتل رسانده‌اند.

■ **قتل چهارم و پنجم**

در حالی که تحقیقات برای دستگیری عاملان

## تصادف، سرهنگ قلابی را گرفتار کرد

آزادی سانحه رانندگی اتفاق افتاده‌است، وقتی مأموران پلیس برای بررسی سانحه در محل حاضر شدند، مردی که مر تکب سانحه شده‌بود خود را به مأموران رساند و گفت که سرهنگ پلیس آگاهی است. مأموران پلیس هم‌زمان با بررسی صحنه تصادف به رفتار آن مرد مظنون شدند و بعد از استعلام متوجه شدند که او مردی فریبکار است که وی را

**مردی که در جریان سانحه رانندگی، خود را سرهنگ پلیس آگاهی معرفی کرده‌بود بازداشت و در بازرسی از خودرواش اسلحه و تجهیزات پلیسی کشف شد.**
به گزارش «جوان»، سرهنگ محمد قاسم طهرانی، جانشین پلیس پیشگیری پایتخت گفت: روز گذشته به مأموران کلانتری آزادی خیر رسید، حوالی میدان



حسین قصیحی

## نورافکن عدلیه به پرونده پیمانکاران سارق هم تأییده شود

یکی از اتفاق‌های هولناکی که در جامعه شیوع پیدا کرده، سرقت اموال عمومی از سوی پیمانکارانی است که فعالیت‌های خدماتی و عمرانی در شهرها و مسیرهای بین‌شهری به آنها سپرده شده است! اتفاقی هولناک که با هیچ معیاری قابل درک، سنجش و باور نیست! در واقع خدمات شهری به دست سارقان سپرده شده و آنها در کمال آرامش و هر زمان که اراده کنند، در حالی‌که لباس فرم و تجهیزات قانونی به همراه دارند، اموال عمومی را سرقت می‌کنند! با وجود اینکه خبرهای زیادی درباره این سرقت‌ها منتشر می‌شود، اما مدیران سازمان‌های مربوطه زحمت پاسخ دادن به چرایی به کارگیری سارقان برای ارائه خدمات شهری را به خودشان نمی‌دهند. از جمله این خبرها کابل زدنی‌های مخابرات از سوی برخی پیمانکاران است. سردار حسین رحیمی، رئیس پلیس تهران در این باره گفته که در تحقیقاتمان به این نتیجه رسیدیم که در بسیاری از موارد پیمانکاران چنین اقدامی را انجام می‌دهند. ممکن است گاهی اوقات نسیم تلفن خانهای را سارقی معتاد دزدیده باشد، اما گاهی با زدنی کابل‌های دو یا سه محله مواجه هستیم که مشخص شده پیمانکاران در این موضوع نقش داشته‌اند. باید عوامل این مورد بررسی شود که چرا این اتفاق می‌افتد و یک پیمانکار اینقدر اطلاعات دارد یا زمینه برایش فراهم می‌شود که چنین اقدامی را انجام می‌دهد. بررسی این عوامل در حیطه اختیارات پلیس نیست و سازمان‌های متولی باید این بررسی‌ها را انجام دهند.

خبر دیگر در این باره، بازداشت ۱۴ کارمند پیمانکار شهرداری تهران به اتهام سرقت تجهیزات پل شهید همدانی بود که جنجال زیادی هم به راه انداخت. بررسی‌ها در این باره نشان داد میزان سرقت تجهیزات از پل به حدی بود که در صورت ادامه تردد خودروها در این مسیر، امکان ریزش پل و بر جای ماندن قاجچه‌های انسانی وجود داشت. ناصر امینی، عضو شورای شهر تهران در واکنش به این حادثه، آن را سرقت عجیبی دانسته و گفته بود که ورق‌های فولادی سنگین وزن با برنامه‌ریزی حساب شده سرقت شده است. این سرقت نیاز به خودرو، کارگروهی و ابزار و لوازم برای باز کردن صدها پیچ فولادی بزرگ و کار طولانی مدت داشته است. این سرقت هشدار می‌دهد به مسئولان شهری و انتظامی و عریان کردن خلأهای ایمنی و امنیتی شهر است. رئیس پلیس تهران هم اعلام کرد از مخفیگاه متهمان هزاران پیچ سرقت شده از پل که در دهها گونی ریخته شده بود، کشف شد. سرقت تجهیزات از پل، تردد در شرق به غرب را به مدت بیش از یک ماه متوقف کرد و باعث شکل گیری ترافیک‌های سنگین در این محور شد.

وقوع این سرقت‌ها قارغ از اینکه خسارت‌های زیادی را متوجه اموال عمومی کرده، جان و مال شهروندان را هم در معرض خطری جدی قرار داده است. با وقوع این اتفاق‌ها، اعتماد عمومی به سازمان‌های مدیریتی به خسارتی متبلأ شده که جبران آن هرگز ممکن نیست. اینکه پرونده‌هایی علیه پیمانکاران طرف قرارداد سازمان‌های دولتی تشکیل می‌شود به این معناست که در سازوکار‌های به کار گرفته شده برای سپردن خدمات به این دسته از افراد اشکال جدی وجود دارد. این روزها مباحث بسیاری درباره پیامدهای ناشی از آرزوهایم ترسیم. مطرح می‌شود. امنیت عمومی به دلیل بروز جرائم خشن به خطر افتاده و گشت‌های ویژه پلیس برای برقراری هرچه بیشتر امنیت به گردش در آمده است. حالا که دستگناهان فضا عزم خود را برای برخورد قاطع با سارقان و متخان امنیت به کار گرفته بهتر است ناگاهی هم به چربی‌وفوع این پرونده‌ها داشته باشد که علاوه بر سرقت اموال عمومی، اعتماد عمومی را هم خدشه‌دار کرده است.